



عبدالاحمد فیض

## چشم پوشی از گسترش هستوی اسلام اباد ، جفای بزرگ در برابر امنیت منطقوی و جهانی

به گواهی تاریخ ظهور پدیده ای به نام پاکستان محصول انتقام و نفرت، تداوم نفوذ و سیطره نامستقیم استعمار بریتانوی در قالب یک راهبرد جدید نئوکلاسیستی به هدف حضور مستدام در منطقه استراتژیک جنوب آسیا بود. شکست محتوم و فضاحت بار استعمار بعد از سلطه ای جابرانه قرون بدست مبارزان راه آزادی در نیم قاره هند در سال ۱۹۴۷ میلادی، موجب شد تا مفکرین و استراتژیستهای کهنه کار استعمار، طرح تجزیه نیم قاره هند را با ایجاد جغرافیای جدید بنا م پاکستان روی دست گیرد. دستگاه اطلاعاتی و تجسسی استعمار در تبانی با جواسیس مزدور و غلامان نفرین شده خویش که از نفوذ گسترده در ایجاد ساختارهای سیاسی و نظامی پاکستان بهره مند بود، کلیه سترکتور و ساختارهای دولتی را درین کشور به شیوه استعماری و جاسوسی پایگذاری نموده که مسلماً در ایجاد نهاد اطلاعاتی نظامی پاکستان و هکذا سایر سازویرگهای مخفی و علنی در دولت پاکستان دست داشته و چنان ساختاری بدنامی از خود به ارث گذاشت تا اهداف نئوکولونیالیستی آنها را برای سالیان متمادی درین منطقه جهان حراست نماید. هکذا حفظ دو منطقه طرف منازعه دایمی یعنی پشتونستان و کشمیر از آن جمله میرا ثهای غم انگیز استعماری در وجود دستگاه حاکم نظامی پاکستان است که وجود بحران، تقابل و تنازع مستمر را با تأسف در منطقه ای ما تضمین نموده و باعث شده است تا آن کشور به هدف مقابله با دو کشور همسایه خود یعنی افغانستان و هندوستان بر سر مناطق مورد اختلاف و نیز بمنظور سرکوب خشن و خونین جنبش های از ادیخواهی ملت های تحت ستم پشتون و بلوچ در محور اهداف راهبردی خود پیوسته و مصرانه روی دوگزینه، نظامی و افراطیت دینی سرمایه گذاری نماید. که درین نوشته سعی خواهیم نمود تا به تبیین روی جوانب توسعه و روند تکامل غیر عادی ماشین جنگی اسلام اباد و دستیا بی آن کشور به جنگ افزارهای هستوی پرداخته و وضاحت خواهیم بخشید که چگونه کشوری به شدت متشنت از نظر اجتماعی، فقیری ثبات چون پاکستان بدون هرگونه نگرانی از مسؤولیتهای بین المللی و در فقدان هرگونه نظارت جهانی زیر چتر حمایتی متحدین جهانی خود به تسلیحات مخوف هستوی دست یافت؟ و چگونه با نقض کلیه اصول حاکم جهانی و رژیم حقوقی ناظر بر نحوه کار برد انرژی اتمی به تکثیر، تولید و توسعه زرادخانه های هستوی خود بنحور روز افزون و بی رویه ان می پردازد؟

تلاش و مساعی اداره نظامی در پاکستان بمثابه عمده ترین نهاد قدرت بمنظور توسعه پونسیل و ظرفیتهای نظامی آن کشور در چهار چوب یک راهبرد تفوق و برتری جویانه به هدف ایجاد بن بست در توازن قدرت منطقوی از همان روز های نخست ظهور پاکستان در مجاورت دو کشور هند و افغانستان که حمایت های همه جانبه بریتانیا را با خود داشت آغاز و این سیاست موازی به انکشافات اوضاع در جنوب آسیا سیر تکاملی خود را پیمود. تحولات دراما تیک اوضاع در افغانستان و حضور قشون سرخ در کشور ما که از منظر زمانی در شرایط خاصی تشدید رقابتهای جنگ سرد بوقوع پیوست، چانس تاریخی را برای نظامیگران پاکستانی فراهم نموده و آن کشور به بهانه دفع تجاوز و ایجاد سپردفاعی در برابر پیشرویهای احتمالی اتحاد شوروی که در مجاورت مرزهای آن، از حضور قدرتمند نظامی برخوردار بود، قادر گردید تا بعنوان کشور خط مقدم جبهه ضد روسی چون ابزار تطبیق کننده اهداف منطقوی غرب، حمایت های

سخت‌ترین و تفقد حامیان جنگ افغانستان را جلب نموده و زمینه‌های وسیع برای جذب و سربازگیریها از مخوفترین گروه‌ها و عناصر تروریستی در قلمرو پاکستان و سرازیر شدن تسلیحات متنوع و میلیاردها دلار از کشورهای متحد پاکستان در جنگ اعلام نشده علیه افغانستان مساعد گردید.

پاکستان که بعد از هند در ردیف هفتم جدول دارندگان سلاح هستوی جا گرفته است، در سال (۱۹۵۵) کمیونی را بنام کمیته انرژی اتمی ایجاد و بابت بهره‌گیری‌های نامشروع و کذائی از تجارب غنی سازی یورانیوم در کشورهای دیگر تمامی امکانات علمی، تخنیک و مالی خود را در راستای کاربرد انرژی اتمی به مقاصد غیر صلح‌آمیز بکار بست و دیری نه گذشته بود که ذوالفقار علی بوتو صدراعظم در یک جلسه ای رسمی دولتی بحضور دانشمندان هستوی آن کشور در ملتان دستور ساخت بمب اتم را علی‌الرغم ممنوعیت تولید جنگ افزارهای کشتار جمعی (هستوی) صا در نمود لذا این دستوری با کانه مقام رهبری یک کشور بازناب انکار ناپذیر این حقیقت است که نظامیان پاکستانی از آمادگی‌های لازم در ساخت بمب اتمی برخوردار است. فلذا درین برحه حساس که کشوری با بی‌اعتنای جدی نسبت به هنجارهای جهانی از آمادگی برای ارتقای توانمندیها و ظرفیت‌های علمی و تخنیک خود در جهت تولید تسلیحات غیر مجاز سخن میگوید که گویا نه از انس بین المللی اتمی وجود داشت و نه میثاق جهانی منع تولید و تکثیر تسلیحات اتمی، فلذا سازمان انرژی اتمی که بمثابه یک نهاد بیطرف جهانی به هدف نظارت از فعالیت‌های هستوی دول به مقاصد صلح‌آمیز در سال (۱۹۵۷) ایجاد گردید، مؤظف بود تا کلیه فعالیت‌های مشکوک هستوی ارتش پاکستان را تحت نظارت قرار داده و اطلاعات لازم را در اختیار شورای امنیت ملل متحد قرار میداد در حالیکه چنین سندی به هدف آینده ای ثبات و امنیت منطقی و در پرتو قطعنامه شماره (۱۵۶۳) (۱۹۶۱) مجمع عمومی ملل متحد که در آن منع تولید و تکثیر تسلیحات کشتار جمعی از اهداف بنیادین سازمان خوانده شده است، وجود ندارد. همچنان، تولید و گسترش سلاح هستوی در میثاق سال (۱۹۶۸) ممنوع اعلام گردید. گرچه دولت پاکستان از عضویت درین میثاق جهانی سرباز زده و اعلام داشته است که مفاد این کانوانسیون را نخواهد پذیرفت اما از دید حقوقی هستند موارد معین درین کانوانسیون که حاوی قاعده امره یا کرکتر الزامی است که کلیه دولتها به هدف ارامان صلح و امنیت جمعی مکلف به رعایت از آن میباشند که اداره نظامی اسلام اباد از آن بوضوح تخلفی نموده است.

همانگونه که قبلاً تذکار یافت، روریاری دوقدرت دوران جنگ سرد در بحران افغانستان در دهه هشتاد سده گذشته باعث شد که پاکستان در نقش تطبیق‌کننده اهداف راهبردی غرب بر رهبری ایالات متحده امریکا در جنگ افغانستان، مسؤولیت ویرانی، قتل و کشتار افغانها را بعهده گیرد، لذا این نقش برای اسلام اباد این امکان را فراهم نمود تا آن کشور در زیر سایه جنگ کشور ما و با جلب کمک‌های گوناگون غرب منجمله امکانات مالی متحدین غربی اش پروژه غنی‌سازی یورانیوم را برای ساخت سلاح اتمی به خوبی و با سرعت لازم انجام داده و غربی‌ها را مجاب نماید که این فقط اداره قدرتمند نظامی در آن کشور مجهز با جنگ افزارهای مدرن متعارف و غیر متعارف میتواند به توازن قدرت در منطقه انجامیده و سپردفاعی مطمئن را در برابر حضور نیروهای خارجی در منطقه بعنوان یک خطریا فعل ایجاد نماید. بنا بران استمرار نبردهای خونین داخلی در افغانستان که در قلمرو پاکستان همچون جنگ نیا بتی کنونی طراحی میگردد به نظامیگران پاکستان این فرصت استثنای را فراهم آورد که رهبران پاکستانی در اوایل دهه نودسده گذشته با جرات کم سابقه ای از ساخت قطعات بمب اتم سخن زدند. چنانچه در سال (۱۹۹۲) میلادی شهریا روزیر خارج وقت پاکستان موفقیت مفکرین اتمی آن کشور در تولید قطعات ضروری بمب هستوی را در اختیار و سایل مفاهمه جمعی داخلی و خارجی قرار داد. در سال (۱۹۹۶) میلادی سازمان (سیا) نگرا نی خود را از ارسال پنج هزار (مگنت) حلقوی چینی به آزمایشگاه هستوی قدیر خان ابراز داشت و یکسال بعد میرزا اسلم بیگ رئیس ستاد ارتش پاکستان دستور شبیه سازی کمپیوتری بمنظور انجام انفجارات هستوی را صادر نمود و سرانجام اداره بد نام نظامی اسلام اباد در (۲۸) می سال (۱۹۹۸) نخستین آزمایش هستوی خود را در فقدان نظارت جهانی انجام داد.

بر بنیاد گزارشات منابع مؤثق بین المللی پاکستان همانگونه که علی‌الرغم هنجارهای متعدد حقوقی ضد تروریستی در سطح جهانی با بی‌مبالاتی تمام میزبانی بیش از صدها تشکیلات و محافل دهشت افکن و سازمانهای مخوف بنیادگر و افراطیت مذهبی را بعهده داشته و ازین گروه‌های جنایتکار در راستای تحقق منویات و اهداف تجاوزکارانه و مداخله گرانه خود در منطقه بهره میگیرد، موازی بدان تلاش دارد تا با داشتن بیشترین مراکز ریسرچ و غنی‌سازی هستوی به

تکثیر و اشاعه جنگ افزارهای غیرمتعارف و ارتقای توان اتمی خویش پرداخته و در تضاد آشکار با اصول جهانی منع اشاعه و گسترش تسلیحات هستوی، به بزرگترین قدرت اتمی و بیکی از بی رقیب ترین قدرت هستوی منطقه میدل گردد.

متکی بر گزارش پژوهشی دوماکز تحقیقاتی در ایالات متحده بنام بنیاد (کارنگی) بخاطر صلح و مرکز پژوهشی بنام (استیمسون) اداره نظامی در اسلام آباد تا ده سال آینده در ردیف سوم قدرت اتمی جهان بعد از ایالات متحده و روسیه قرار خواهد گرفت که نه تنها دولت و نظامیان حاکم در آن کشور از این توانمندی تسلیحات با مقاصد بی ثباتی، دخالت، تجاوز و زورگویی علیه دیگران و بویژه همسایگان استفاده خواهند نمود بلکه گستره ای بی ثباتیهای فزاینده، حضور گروه های متعدد تروریستی، فقر گسترده و نارضایتی های روز افزون داخلی در چنین کشوری موجب آن خواهد شد تا تکنالوژی هستوی و یا کلاهک های اتمی موجود در زرادخانه های آن کشور از کنترل خارج و در اختیار گروه های وحشی و شرارت پیشه گانی قرار گیرد که از مجرای قتل و ویرانی شعار انقلاب و حکومت جهانی را سرداده و نیز از مواضع مستحکم و پناه گاه های مطمئن در قلمرو پاکستان برخوردار هستند.

زرادخانه های هستوی پاکستان به تعداد (۱۲۰) کلاهکهای اتمی را در اختیار دارد که در مقایسه با رقیب دیرینه آن هند که (۱۰۰) کلاهک هستوی را داراست، از برتری قابل توجهی برخوردار است، اما علی الرغم برتری های هستوی، اداره مرتجع اسلام آباد بمثابه فکتور اصلی بی ثباتی ها در منطقه جنوب آسیا همواره از توان اتمی کشور شان بحیث عامل بازدارنده در برابر تهدیدات هند نامبرده و با ارائه بها نه های ازین گونه همواره قادر گردیده است تا به اغوای جامعه جهانی و بخصوص مراجع مسؤول بین المللی ناظر بر روند فعالیت های اتمی دولت ها پرداخته و با خیال راحت و بیرون از نظارت جهانی به تسریع روند تولید تسلیحات ممنوعه تداوم بخشد. لذا به باور این قلم تداوم مسابقه تسلیحات ویرانگری هستوی در قلمرو پاکستان با توجه به تاریخ طولانی که دارد نمایانگری توجهی، اهمال و بیاتساهل نهادها و مراجع ذیصلاح بین المللی و بخصوص شورای امنیت ملل متحد برای اتخاذ تدابیر مؤثر و عاجل بمنظور خلع اتمی و یامنع فعالیت هستوی آن کشور بوده که مسلماً استمرار وضعیت موجود خطرات بالقوه را در چنان یک منطقه حساس جهان فزونی خواهند بخشید که دستخوش منازعات متنوع داخلی و منطقوی بوده و هرآن میتواند به عامل یک درگیری با ابعاد وسیع و فراگیر در جنوب آسیا و جهان تبدیل گردد. لذا به سازمان ملل متحد، نهاد های مدافع صلح، قدرت های مطرح جهانی و سایر مراجع مسؤول بین المللی است تا با کاربرد کلیه ابزار های مشروع منجمله وضع تعزیرات گسترده اقتصادی، تضعیقات و تحکم سیاسی بر اداره نظامی پاکستان مانع از تکثیر و تشدید مسابقات تسلیحات اتمی آن کشور گردیده و با به انزو و اکتشاندن اداره نظامیگر اسلام آباد به کاهش تشنج در منطقه ای در حال استحاله در جنوب آسیا همکاری خواهند نمود و هرگونه اغماض و بی مبالاتی درین امر حساس که سرنوشت صلح و ثبات جهانی بدان بستگی دارد جفا و حتی خیانت در امر صلح محسوب میگردد.